

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۳

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۴

راهبردهای اقتصادی تحقق فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز

محمد داوود محمدی^۱

چکیده

پیشرفت مطلوب اقتصادی جامعه مهدوی از پدیده‌ترین عرصه‌های پیشرفت به شمار می‌رود که بدیهی است هرگونه تلاش در این زمینه، بدون مرجعیت منابع دینی و اهداف متعالی جامعه اسلامی تحقیقی ناتمام است. رشد اقتصادی مطلوب زمینه‌ساز جامعه مهدوی از منظر متون دینی، دارای سه راهبرد استراتژیکی توانمندسازی اجتماع، توانمندسازی فرد و توانمندسازی سرمایه‌های فیزیکی است که دو راهبرد نخست، برون اقتصادی و راهبرد سوم، درون اقتصادی به شمار می‌آیند. در این راستا پژوهش یادشده در پی شناسایی و طراحی راهبردهای پیشرفت اقتصادی در رویکرد اجتماعی و تمدنی با توجه به منابع دینی است. این نوشتار درصدد اثبات آن است که در جامعه مهدوی، اهمیت و تأکید بر سرمایه‌های کمی و فیزیکی، بعد از توجه به انسان و جامعه انسانی قرار دارد. این نگاه نیز برخلاف جریان اقتصادی متعارف - که نخست به سرمایه فیزیکی اهمیت داده می‌شد و سپس به انسان (سرمایه انسانی) - به عنوان محور رشد برای رسیدن به جامعه (سرمایه اجتماعی) به عنوان هدف رشد توجه کرده است.

۱. پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی ﷺ العالمية (mdm110313@gmail.com).

برای تبیین بهتر، راهبردها به دو بخش مستقیم و غیرمستقیم بر مبنای جامعه مهدوی تقسیم می‌شوند که راهبرد مستقیم نیز به دو نوع راهبردهای تشویقی و راهبردهای تعدیلی قابل تقسیم‌اند.

واژگان کلیدی

مهدویت، راهبردهای اقتصادی، عدالت اقتصادی، جامعه مهدوی، فرهنگ مهدوی.

مقدمه

ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار باشد از معنویت و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود. (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹)

بر اساس این ضرورت و توانستن است که هرگاه توسعه اقتصادی و تمدن مادی را در چهارچوب تعریف متداول ارزیابی کنیم، درمی‌یابیم که هدف اسلام از تمدن و توسعه اقتصادی مطلوب با هدف توسعه در نگرش مادی متفاوت است. در منظومه تمدن مادی، توسعه مادی مدلی است ایده‌آل و نهایی مطلوب که انسان در جست‌وجوی آن است. بر پایه این تصور و با بهره‌گیری از دستگاه‌های عظیم تبلیغاتی، کشورهای پیشرفته از رهگذر توسعه اقتصادی، توانسته‌اند این گونه وانمود کنند که شیوه انسانی آنان، از دیگر ملّت‌ها برتر و با معیارهای بشری سازگارتر است.

وقتی همه امور در یک چیز به نام هدف تمرکز می‌یابد، طبیعی است که آن هدف مرکز ثقل همه ارزش‌ها و آرمان‌ها گردد و مرکزی شود برای جذب همه تلاش‌ها و رویکردها. این، همان جایگاهی است که توسعه اقتصادی در عصر جدید یافته است.

در فرهنگ و تمدن اسلامی و زمینه‌ساز، توسعه اقتصادی هدف برتر نیست. در این تمدن، هدف آن است که همه استعدادهای انسانی شکوفا گردد و نهفته‌های او هویدا شود تا به سوی کمال مطلق راه برود و به سعادت ابدی و پایدار دست یابد. به عبارتی اقتصاد و توسعه اقتصادی، تنها مقدمه‌ای برای رسیدن به جامعه موعود و مهدوی است. با همین رویکرد است که اسلام، جامعه انسانی را نیازمند تحقق رفاه فراگیر و ارتقا یافتن به کمال مطلق می‌داند که در کنار شاخصه‌های مادی و دنیایی، همچون درآمد ناخالص ملی، سرانه آموزش، دستیابی به امکانات گوناگون زندگی، آزادی انتخاب، مشارکت سیاسی و همانند آن‌ها، به ضرورت‌های

دیگر که در رشد و ارتقای شاخصه‌های معنوی، همچون ایمان و اخلاق و اعمال صالح متجلی می‌شوند، نیز عنایت ورزد.

گفتنی است رشد اقتصادی مطلوب از منظر قرآن کریم دارای سه راهبرد استراتژیکی توانمندسازی اجتماع، توانمندسازی فرد و توانمندسازی سرمایه‌های فیزیکی است که دو راهبرد اول راهبرد برون اقتصادی مرتبط با رشد اقتصادی و راهبرد سوم درون اقتصادی است. از منظر متون اسلامی، مهم‌ترین هدف تمام فعالیت‌های اجتماعی، تعالی و تکامل اجتماع بشری و افراد آن است و اقتصاد نیز به عنوان ابزاری مهم در خدمت تحقق این هدف است. استراتژی رشد و توسعه اقتصادی اسلام بر خلاف آن چه در غرب اتفاق افتاده است شروعش با افزایش سرمایه فیزیکی و کمی نیست. اسلام نخست بر توانمندسازی اجتماع تأکید می‌نماید. افزایش سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه در رویکرد اقتصادی می‌توانند تضمین‌کننده رشد و توسعه پایدار جامعه مهدوی در بستری مطلوب و اطمینان‌بخش و به دور از نااطمینانی‌های غیرمتعارف اقتصادی باشند. آن چه محل بحث در این مقاله است، بررسی و تحلیل راهبرد اول رویکرد اقتصادی - اجتماعی در تحقق تمدن زمینه‌ساز مهدوی است.

مفهوم شناسی

پیش از پرداختن به بخش‌های مختلف مقاله، به تبیین چند مفهوم اشاره می‌شود.

۱. راهبرد

راهبرد عبارت است از برنامه‌ای جامع، منسجم و کامل که برای تحقق اهداف اساسی تدوین می‌گردد. بنابراین راهبرد نوعی برنامه است که برای نیل به مقاصد و اهداف اصلی جامعه (یا سازمان) تدوین می‌شود و به منزله الگوی تصمیم‌هایی است که در سازمان اخذ می‌شود و فعالیت‌ها و نتایج را شکل می‌دهد. راهبردهای خوب، ابزارهایی رقابتی به شمار رفته و راهبردهای نامناسب، ضعف‌های عمده محسوب می‌شوند. راهبردها جهت‌گیری‌های عمده جامعه یا سازمان را تعیین می‌کند و رهنمودهایی برای وصول به مطلوب و هدف خود در قالب تخصیص منابع در مسیر کسب هدف‌های بلندمدت ارائه می‌دهد. انتخاب راهبرد، کاری پیچیده و حتی مخاطره‌آمیز است؛ زیرا هر راهبرد، جامعه را به یک محیط رقابتی خاص هدایت می‌کند و چگونگی برنامه‌ریزی مدیران برای تطبیق قوت‌ها و ضعف‌های سازمان با فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی را معین می‌سازد.

۲. فرهنگ

فرهنگ در لغت به معنای دانش، حرفه، علم، فنون، هنر، آموختن، به کار بستن ادب، بزرگی، سنجیدگی، کتاب لغت، آموزش و پرورش، تربیت، آیین و رسوم و عقل کاربرد یافته است (دهخدا، ۱۳۴۱: ج ۳۹، ۲۲۷؛ نفیسی، ۱۳۵۵: ۲۵۵۷. معین، ۱۳۷۶: ج ۲، ۲۵۳۸؛ پهلوان، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۵).

در تعریف اصطلاحی، فرهنگ عبارت است از مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی انسان که در سایه تلاش مشترک فکری و عملی در طول تاریخ حاصل شده است و همچون میراثی برای نسل‌های پسین باقی مانده و هنر نسل آن را کامل‌تر نموده و به نسل بعدی سپرده است. با این تعریف، مؤلفه‌های فرهنگ عبارتند از: فرهنگ معارف و علوم، اعتقادات، هنرها، صنایع، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم، عرف و سنت‌هایی که محصول پیشرفت ذهن انسان و نتیجه انتزاعی قوه تفکر و ادراک آدمی بوده، به عنوان حلقه پیوند انسان و اجتماع عمل می‌کند (عیوضی، ۱۳۷۸: ۵).

بر این اساس، فرهنگ به عنوان مبنای بسیاری از اندیشه‌های معنوی انسان‌ها دانسته شده است که هرگونه سیر تحول فکری و تطوّر سیاسی اجتماعی را نزد جوامع مختلف، در بستر فرهنگی امکان‌پذیر می‌نماید. با توجه به تعریف‌های که از فرهنگ ارائه شده است، فرهنگ ناظر به خصوصیات آدمی است که در ادب، خرد، دانش، تعلیم و تربیت، معرفت، هنر، صنعت، حکمت، و... تجلی یافته است (کاشفی، ۱۳۸۹: ۲۵).

۳. تمدن

«تمدن» در لغت به معنای آراسته شدن به اخلاق شهر، انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۵). و در اصطلاح عبارت است از «خلاقیت فرهنگی که خود نتیجه وجود نظم اجتماعی و حکومت قانون و رفاه نسبی امکان وجود می‌یابد» (حلبی، ۱۳۷۲: ۱۸). به عبارتی، مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور یا عصر معین یا حالت پیشرفته و سازمان یافته فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان آن، پیشرفت در علم و هنر، و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است (انوری، ۱۳۸۲: ج ۳، ۱۸۹۴؛ محمدی، ۱۳۷۳: ۳۳۷؛ حسینی، ۱۳۸۱: ۲۳۳). فارابی و ابن خلدون، انسان را موجودی «مدنی بالطبع» دانسته و کمال و سعادتش را در اجتماع زیستن و تشکیل مدینه فاضله و اجتماعی شدن انسان می‌دانند (فارابی، ۱۹۹۶: ۱۱۷. همو، بی‌تا: ۲۵؛ ابن خلدون، ۱۳۸۵:

۲۲۹). ویل دورانت نیز می‌نویسد:

تمدن را می‌توان عبارت از نظم اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. (دورانت، ۱۳۸۲: ج ۱، ۳)

با توجه به تعاریف که از تمدن ارائه شد می‌توان گفت مفهوم اساسی تمدن عبارت است از مجموعه دستاوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی بشر؛ یعنی از آن هنگام آدمی به رشد و تعالی روی آورد، هم به نیازهای حیاتی جسمانی و هم به احتیاجات معنوی خویش توجه کرد، از این رو کوشید به هر دو نیاز جدی پاسخ داده و آن‌ها را اقتناع نماید. حاصل این کوشش، دستاوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی بود که ما آن را «تمدن» می‌نامیم (کاشفی، ۱۳۸۹: ۳۵).

۴. فرهنگ و تمدن اسلامی زمینه‌ساز

برای درک بهتر فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز لازم است درک صحیحی از «فرهنگ و تمدن اسلامی» و قابلیت‌های آن داشته باشیم که بتوانیم معتقد به اثرگذاری دایمی مؤلفه‌های جریان ساز آن در بستر زمان باشیم. از این رو از آن جایی که از دستاوردهای مهم اسلام در حیات بشری، پایه‌گذاری فرهنگ و تمدن باشکوهی است که در برهه‌ای از تاریخ، بسیاری از سرزمین‌ها را زیر نفوذ داشت و از حلقه‌های درخشان تمدن بشری به شمار می‌رفت که از آن با عنوان «فرهنگ و تمدن اسلامی» یاد می‌شود. این فرهنگ و تمدن همیشه قابلیت و توانمندی پیشرو بودن را داراست؛ زیرا مؤلفه‌های آن بر محور دین اسلام می‌گردد. به دیگر سخن، تمدن اسلامی با اساس نگرش توحیدی، تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال معنوی سوق می‌دهد (همو: ۵۲).

این توانمندی بالقوه باعث شده است در طول تاریخ اصالت و شخصیت مختص به خود را حفظ نموده و تنها با جذب و هضم عناصر و ارکان مثبت و سازنده فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر از آن‌ها موجود تازه و جدیدی به وجود آورده است و به دین طریق فرهنگ و تمدن بزرگ اسلامی شکل گرفته است (همو: ۵۶؛ بینش، ۱۳۸۸: ۲۰).

این توانمندی در عصر جدید نیز با قابلیت متبلور شدن را دارد و می‌تواند زمینه‌سازی ظهور تحول عظیم جهان را به دنبال داشته باشد. رشد متحقق شدن این پتانسیل تمدنی در اجتماع مسلمین، حرکت به سوی ایجاد فرهنگ و تمدنی عظیم برای زمینه‌سازی ظهور است.

پیشرفت اقتصاد مطلوب

فرایند پیشرفت در اندیشه اسلامی، تحول اساسی و بنیادی در کیفیت و کمیت زندگی فردی و اجتماعی است که در این تعریف، جامعه به منظور تأمین نیازهای اساسی در همه امور زندگی به گونه‌ای هدفمند، جامع، فراگیر، متعادل، پایدار، مطابق اسلام در نظر گرفته می‌شود. از این رو بر اساس آموزه‌های اسلامی، پیشرفت تنها جنبه‌های مادی را دربر نمی‌گیرد، بلکه جنبه‌های معنوی رشد و تعالی انسانی را نیز مورد اشاره قرار می‌دهد. به عبارت دیگر اصطلاح پیشرفت، سعادت بشری را هم در قسمت مادی و هم در بخش معنوی دربر دارد (امیدی، ۱۳۹۰: ۱۸۹). از این روست که در دین اسلام، توسعه محور اساسی حرکت جوامع انسانی نیست که پس از آن به دلیل اصل بودن افزایش سطح توسعه، افراد اجازه اشتغال به هر امری را داشته باشند، بلکه هدف در جهان بینی اسلامی، کمال و رسیدن به سعادت اخروی است (کیاء الحسینی، ۱۳۹۰: ۲۲۲).

در ذیل به راهبردهای اقتصادی که در تمدن سازی در جامعه مهدوی موثر است در دو بخش راهبردهای مستقیم و غیرمستقیم اشاره خواهد شد.

راهبردهای مستقیم اقتصادی در تحقق تمدن زمینه ساز

در این قسمت راهبردهایی که به طور مستقیم به صورت اختصاصی به مقوله اقتصاد جامعه مطلوب مهدوی می‌پردازند به دو صورت تشویقی و تعدیلی اشاره می‌شود. گفتنی است برخی از این راهکارها تنها جنبه حکومتی داشته و برخی دیگر نیز به صورت فردی نیز قابلیت تحقق دارد.

الف) تشویقی

در این بخش به بررسی راهکارهای تشویقی و افزایشی برای بهبود فضای تعاملات اجتماعی - اقتصادی در تمدن زمینه ساز پرداخته می‌شود.

۱. ایجاد و تقویت بخش تعاون اقتصادی در جامعه

از دیگر زیرشاخه‌های راهبردهای اجتماعی که از وظایف اقتصادی دولت اسلامی در ایجاد تمدن زمینه ساز، ایجاد و تقویت بخش تعاون در جهت رفع کاستی‌ها و نارسایی‌های فعالیت‌های اقتصادی و بازارهای جامعه اسلامی است. در جامعه امروز یکی از مهم‌ترین حلقه‌های مفقوده و راه حل‌ها ایجاد بخش تعاون و تقویت آن در فضای اقتصادی جامعه به

عنوان رکن سوم - در کنار دو رکن دیگر، یعنی دولت و بخش خصوصی - است. وقتی جامعه نیازمندی‌هایی داشته باشد و به نوعی یا انواعی از مشکلات گوناگون مادی و معنوی، فردی و اجتماعی گرفتار و دست به گریبان باشد، در این صورت است که مردم باید با تشریح مساعی به یاری یکدیگر برخیزند و با یاری و کمک به یکدیگر برای تأمین نیازها و حل مشکلات جامعه اقدام کنند:

﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾؛ (مائده: ۲)

و در هر کار خیر و تقوا یکدیگر را یاری دهید و بر گناه و تجاوز همکاری نکنید و از خدا پروا نمایید که همانا خداوند سخت‌کیفر است.

تعاون و همیاری در تمامی عرصه‌های مادی، معنوی و نیز فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، حقوقی، قضایی و... است و محدود به قلمرو خاص و مسائلی ویژه نیست. به تعبیر قرآن، هر آن‌چه بر آن «برّ» و «تقوا» اطلاق گردد و در مقابل «اثم» و «عدوان» باشد، صادق است. بنابراین هر وقت و در هر جای جهان اسلام، مشاهده و یا شنیده شود که مسلمانی نیازمند و یا گرفتار است، باید دیگر مسلمانان به یاری او بشتابند و نیازهای او را تأمین و مشکلات وی را حل کنند.

از نظر قرآن ایمان و اصل اخوت دو مبنا و خاستگاه تعاون و همیاری است. ایمان، یعنی ایمان حکم می‌کند افراد در جامعه انسانی، در برابر همدیگر احساس مسئولیت شدیدی نمایند و در کنار نیازمندی‌های دیگر اعضای جامعه و مشکلات آن‌ها بی‌تفاوت نباشند. حاکمیت اصل اخوت و برادری در جامعه؛ چنان‌که برادر نسبت به برادر خود بی‌تفاوت نبوده و احساس مسئولیت شدید دارد. نصوص روایی در این مورد به حدّ تواتر است. اسماعیل بن عبدالخالق از امام صادق علیه السلام روایت نموده که آن حضرت فرمود:

إِنَّ مِنْ بَقَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَبَقَاءِ الْإِسْلَامِ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ عِنْدَ مَنْ يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ وَيَصْنَعُ الْمَعْرُوفَ وَإِنَّ مِنْ فَنَاءِ الْإِسْلَامِ وَفَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ وَلَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ؛

از اموری که باعث بقای مسلمانان و اسلام است، این است که ثروت‌ها نزد کسی قرار گیرد که حقوق (مالی) را بداند و کارهای پسندیده انجام دهد و نابودی اسلام و مسلمانان در این است که دارایی‌ها در دست کسی باشد که حقوق (مالی) را نمی‌داند و کار پسندیده انجام نمی‌دهد.

شهید مطهری می‌گوید:

مسلمین باید نسبت به یکدیگر ولایت داشته باشند یا ولای یکدیگر را داشته باشند. مقصود این است که به لحاظ روحی به یکدیگر نزدیک باشد و روابط اجتماعی شان با یکدیگر روابط نزدیک باشد و به همین جهت مثلاً این که یک کسی اعانت بکند دیگری را، کمک بدهد به دیگری، این امر باعث پیوند و ارتباط بین اعضای جامعه می‌شود که نوعی ولایت است که در قرآن «ولاء» نامیده می‌شود؛ یعنی ولای یکدیگر را داشته باشید، یعنی تعاون در میان شما حکم فرما باشد. (مطهری، ۱۳۷۶: ۱۸۲-۱۸۳)

۲. ایجاد فرصت‌های متوازن و متعادل در جامعه (عدالت توزیعی)

آفرینش نعمات زمین، برای همه افراد و انسان هاست و این تعلق به عمومیت افراد، نشان از وجود فرصت‌های اولیه یکسان برای تمامی افراد برای شروع رشد و تعالی در جامعه است. در ذیل به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (بقره: ۱۹؛ همچنین نک: نازعات: ۳۰ - ۷۹؛ رحمن، ۱۰؛ اعراف: ۱۰)
اوست آن کسی که آن چه در زمین است، همه را برای شما آفرید؛ سپس به [آفرینش] آسمان پرداخت و هفت آسمان را استوار کرد؛ و او به هر چیزی داناست.

﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾؛ (لقمان: ۲۰)
آیا ندیدید خداوند آن چه را در آسمان‌ها و زمین است مسخّر شما کرده و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را بر شما ارزانی داشته است؟!؟

این آیات و آیات بسیار دیگر (نک: حکیمی، ۱۳۷۴: ج ۴، ۳۷۱ - ۳۷۴)، به روشنی بر این مطلب دلالت دارد که خداوند نعمت‌های آسمان و زمین خود را برای همه‌ی مردم آفریده که از آن بهره گیرند و زندگی خود را استوار سازند.

امام صادق علیه السلام در حدیثی مفصل - که به توحید مفصل معروف است - به شاگردش چنین می‌فرماید:

ای مفصل! ... اگر در عالم با فکر خود تأمل کنی و با عقل خود تشخیص دهی، آن را مانند خانه‌ای می‌یابی که بنا شده و هر چه بندگان خدا بدان نیاز دارند، در آن فراهم آمده است. (همو: ۳۷۶ - ۳۷۷)

وقتی مراد از آفرینش نعمت‌ها، آسایش مردم است، اگر چنان توزیع گردد که بسیاری از بیش‌تر مواهب محروم بمانند، نقض غرض می‌شود. از این‌رو مهم‌ترین قسمت در عدالت اجتماعی عدالت توزیعی است.

از آن جا که تمام امکانات جهان برای قرب انسان و تعالی او فراهم شده و متعلق به تمام افراد جامعه است، تقسیم عادلانه ثروت توزیع عادلانه امکانات و امتیازات اجتماعی در مرحله اولیه نیز باید برای آحاد جامعه اسلامی به صورت متناسب فراهم شود؛ به گونه‌ای که هر فرد در جامعه اسلامی امکان استفاده از شرایط اولیه زندگی و شروع فعالیت اقتصادی متناسب با استعداد خود را داشته باشد.

به عبارتی رفتار حاکمان اسلامی و دولت مردان به گونه‌ای باشد که با رعایت عدالت توزیعی قبل از تولید زمینه‌سازی اولیه برای شروع مسابقه اقتصادی سالم در جامعه را مهیا نمایند. عدالت توزیعی، توزیع عادلانه امکانات و امتیازات اجتماعی - نظیر سرمایه‌های عمومی که معادن و ذخایر زیرزمینی، اموالی که از طریق مالیات و سایر شیوه‌ها جمع می‌گردد را شامل می‌شود - و پست‌ها و مقامات حکومتی و تمام امتیازات دیگر، همگی در اختیار حکومت‌ها هستند. حکومت‌ها باید این امتیازات را بین افراد و گروه‌های اجتماعی به صورت عادلانه و به دور از دخالت دادن حب بعض‌های قبیله‌ای، مذهبی و گروهی و با توجه به استحقاق، شایستگی و لیاقت هر جمع و هر فرد باید تقسیم نماید.

بدیهی است اسلام، تفاوت‌ها را نادیده نمی‌گیرد؛ تلاش‌های افراد هم در نظر اسلام بدون ارج و بی‌پاسخ نیست، بلکه با آن نوع برخورداری‌ها مخالف است که بدون تلاش، بدون بهره‌گیری از خلاقیت و استعداد شخصی و صرفاً از راه پارتی‌بازی و راه‌های غیرقانونی، به دست آمده باشد.

۳. ایجاد فضای رشد دانش و معرفت عمومی جامعه

از دیگر راهبردهای مستقیم توانمندسازی جامعه مهدوی فراهم آوردن زمینه‌های کسب دانش (تعلیم) و معرفت (تزکیه) است. تغییر فضای جامعه از جهل و خرافه‌پرستی به فضای علمی و معرفتی مهم‌ترین وظیفه حکومت در تمام عرصه‌ها به خصوص عرصه اقتصاد است.

امیر مؤمنان علیه السلام آن‌جا که حقوق والی بر مردم و مردم بر والی را برمی‌شمرد، می‌فرماید:

فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَى ... تَعْلِيمِكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَتَأْدِيبِكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا. (دستی، بی‌تا: ۱۹، خ ۳۴، ش ۹)

پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ؛ (طبرسی، ۱۴۱۸: ۲۳۹ / ۶۹۱؛ فتال نیشابوری، بی‌تا: ۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۳، ۲۰۴)

خیر دنیا و آخرت، با علم تأمین می‌شود و شر دنیا و آخرت، آمیخته با جهل است.

بنابراین آن چه امروزه به عنوان آموزش و پرورش مطرح است، در جامعه اسلامی در گام اول بر عهده حکومت است. امروزه نیز بیش از هر زمان دیگر، آشکار شده که علم نقش اول را در رشد اقتصادی ایفا می‌کند. در این حقیقت هرگز نمی‌توان تردید کرد، حال آن که اسلام پیش از چهارده قرن پیش، آن را اعلان کرده بود.

همان طور که در قسمت راهبردهای اقتصاد متعارف بیان شد، هیچ کس نمی‌تواند درباره پیوند مثبت و سازنده میان علم و پیشرفت اقتصادی تردید به خود راه دهد؛ با این حال، نمی‌توان این حقیقت مهم را انکار کرد که چنین پیوندی کاملاً پیچیده و بسیار سخت است (شولتس، ۱۳۷۱: ۲۴۳؛ همچنین برای فهم بهتر رابطه بین پیشرفت اقتصادی و تهذیب و رشد اخلاقی و معنوی نک؛ وصالی و امیدی، ۱۳۹۱).

۴. تولید کالاهای عمومی و سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی

یکی دیگر از برنامه‌های اقتصادی دولت اسلامی برای ایجاد توانمندی اجتماع در بعد اقتصاد توجه و اهتمام به تولید کالاها و خدمات بخش عمومی است؛ به‌ویژه در مواردی که استقبال سایر بخش‌های اقتصادی (همچون بخش خصوصی و بخش تعاونی) به سبب نبود انگیزه تولید، در آن کم است. از این رو واگذاری آن‌ها به بخش غیردولتی، کاهش عرضه آن‌ها را در پی دارد که خود باعث کاهش رفاه اجتماعی می‌شود.

توجه به زیرساخت‌های اقتصادی و مواردی که عام‌المنفعه است - از جمله سرمایه‌گذاری در مورد ساخت و نگه‌داشت راه‌ها، پل‌ها، سدها، بناهای عام‌المنفعه و مانند آن - از وظایف بخش دولتی در اقتصاد اسلامی به شمار می‌رود.

دقت در پیشینه دولت اسلامی، نشان می‌دهد که از صدر اسلام این نهاد، برخی فعالیت‌های اقتصادی در حوزه بخش عمومی را وظیفه خود دانسته است، هر چند در آغاز به علت نداشتن بودجه لازم صورت نپذیرفته است.

در سیره رسول خدا ﷺ به مواردی برمی‌خوریم که نشان می‌دهد حاکم اسلامی لازم است برای پیشبرد این امور، تلاش کند؛ از جمله اقطاعاتی که حضرت ﷺ برای ساخت مسکن، یا زمین کشاورزی انجام دادند (نک: الکتانی، بی‌تا: ج ۱، ۲۸۱-۲۸۲).

به پیروی از سیره رسول خدا ﷺ، در زمان خلیفه دوم - که درآمدهای بیت‌المال افزایش یافته بود - دولت اسلامی کارهای عام‌المنفعه بسیاری انجام داد؛ از جمله ساخت دو شهر جدید

بصره و کوفه، وادار کردن اهل ذمه به تعمیر و اصلاح راه‌ها و پل‌ها (همو: ۲۸۲-۲۸۳)، آماده کردن محل‌ها و امکانات مورد نیاز مسافران بین راه مکه و مدینه (همو: ۴۵۳) و نیز مأمور شدن والی مصر (عمر و عاص) به صرف یک سوم درآمدهای عمومی شهر را برای ساخت پل، ترمیم شبکه‌های آبرسانی و... (همو: ج ۲، ۵۳-۵۴).

۵. توجه به اشتغال

تعالیم اسلامی به روشنی بر این امر دلالت دارند که خداوند زمین و تمامی امکانات موجود در آن را به منظور استفاده انسان^۱ آفریده است و وسایل اکتساب و معیشت انسان را در زمین فراهم ساخته است^۲. انسان به تلاش و کوشش فرا خوانده شده است که با اشتغال و کسب درآمد^۳ به تأمین معیشت خود و خانواده‌اش بپردازد. اساساً، زمین و تمامی امکانات برای اشتغال انسان آفریده شده است^۴ که بی‌کاری، انسان را به ستوه نیاورد و به فساد و تباهی نکشاند^۵.

از این رو، اشتغال و اکتساب درآمد از راه حلال بر هر زن و مرد مسلمان لازم است^۶. شرایط و موقعیت‌های گوناگون مکانی و زمانی نباید مانع از اشتغال گردد؛ زیرا اصل بر اشتغال است^۷ و متناسب با شرایط مختلف، ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب امکان‌پذیر است^۸، بلکه ضروری می‌نماید.

از طرفی نیز انجام اهداف نظام اقتصادی رابطه تنگاتنگ با اشتغال دارد و چنان‌چه معضل بی‌کاری حل نشود، دولت در انجام آن وظیفه‌ها نیز ناکام می‌ماند؛ برای مثال اجرای عدالت اقتصاد بدون حل مشکل بی‌کاری، دست‌یافتنی نیست؛ زیرا دولت نه آن قدر منابع مالی دارد که سطح زندگی بی‌کاران فقیر را تا حد افراد مرفه ارتقا دهد و نه در صورت وجود این منابع، پرداخت مستقیم این وجوه کلان به افراد، به صلاح اقتصاد است. از این رو برای رسیدن به

۱. «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً» (بقره: ۲۹).

۲. «وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ» (حجر: ۲۰).

۳. «و يسرحوا في ارضه طلباً لما فيه نيل العاجل من دنياهم» (علی بن الحسین علیه السلام: ۱۴۱۱: ۶۸-۶۹).

۴. «جعل له فيها [الاشياء] موضع شغل، لكيلا تبرمه البطاله» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۸۶-۸۸).

۵. «و كان الناس ايضاً بصيرون بالفراغ الى غايه الاشر و البطر حتى يكثر الفساد و يظهر الفواحش» (همو: ۱۰۶).

۶. «طلب الحلال فريضة على كل مسلم و مسلمة» (همو: ج ۱، ۱۰۳).

۷. «المرء لا يصحبه إلا العمل» (آمدی تمیمی، ۱۴۰۷: ج ۹۹۹).

۸. «في كل وقت عمل» (همو: ج ۸۶۱۹).

عدالت اقتصادی، نخست باید زمینه اشتغال مناسب برای همه افراد فراهم کرد. شواهدی وجود دارد که از آن‌ها درمی‌یابیم دولت اسلامی باید این امر را وظیفه خود بداند؛ زیرا وقتی پذیرفتیم که «اشتغال»، نوعی فضیلت و به صلاح افراد جامعه است و بی‌کاری مفسده و به ضرر آن‌هاست، لازم می‌آید دولت اسلامی در این زمینه، دخالت کند؛ زیرا چنین اموری از وظایف آن است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۰، ۴۱).

بنابراین، اشتغال نیاز اساسی بشر است و باید تمامی امکانات و نهادهای تولید، از جمله سرمایه، برای ایجاد فرصت‌های شغلی لازم و تأمین اشتغال مناسب و نیز استفاده از نیروی انسانی بسیج و تجهیز گردد. به عبارتی روشن‌تر، اصل در اسلام، تبعیت تمامی امکانات، از جمله سرمایه، از نیروی کار است؛ بنابراین، اشتغال و ایجاد زمینه اشتغال آفرینی نیروی کار در اولویت قرار دارد.

ب) تعدیلی و مقاومتی

همان‌طور که بیان شد، این نوع از راهبردها در راستای اصلاح و رفع مسائلی است که ممکن است در حین فعالیت اقتصادی در جامعه و تمدن زمینه‌ساز به وجود بیاید که رفع آن روی دیگر راهبردهای افزایشی در جهت تحقق راهبردهای کلان توانمندسازی به شمار می‌رود. موارد ذیل از اموری است که در این راستا بیان می‌گردد.

۱. تکافل اجتماعی (تأمین نیازهای اولیه جامعه)

تکافل یعنی کفالت کردن، عهده‌دار شدن امری، به عهده گرفتن چیزی در عوض کسی و تکافل در باب «تفاعل» یک امر متقابل و دو طرفه است. اسلام انواع تکافل را بیان نموده است از جمله، تکافل فردی، تکافل خانوادگی، تکافل اجتماعی. در این مجال به نوع سوم آن یعنی «تکافل اجتماعی» خواهیم پرداخت.

تکافل اجتماعی از جمله مصادیق تکافل، تکافل بین فرد و اجتماع و اجتماع و فرد است که بر هر یک وظایفی لازم نموده و برای هر یک حقوقی قرار داده، اسلام در این تکافل به حد وحدت بین مصلحت این دو و جرم بر تقصیر هر یک در قیام به وظایف خود در همه جوانب زندگی مادی و معنوی به طور مساوی رسیده است.

هر فرد موظف است علاوه بر دقت در وظایف خویش مصالح اجتماعی را به طوری رعایت کند که گویا نگهبان آن بوده و موکل بر آن است و زندگی در جامعه چون کشتی در گردابی است که مسافران آن همگی مسئول حفظ کشتی اند و هیچ یک از آنان نمی‌توانند به عنوان آزادی

فردی جایی از آن را سوراخ کند و موجبات هلاکت همه افراد (کشتی جامعه) را فراهم آورند. پس هیچ فردی از رعایت مصالح همگانی بخشوده نبوده و هر کسی در اجتماع هم رعیت است و هم نگهبان:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى...﴾؛ (مانده: ۲)

و [همواره] در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید.

تعاون بین همه افراد به خاطر مصلحت اجتماعی در حدود خوبی و نیکی، واجب است:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾؛ (آل عمران: ۱۰۴)

باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگاران‌اند.

بر نیکی و پرهیزکاری کمک کنید و بر گناه و تجاوز کمک نکنید و هر فردی ذاتاً مسئول امر به معروف است که اگر انجام ندهد گناه کار بوده و کیفر خود را خواهد دید. لذا هر فردی موظف است بد و منکری را که می‌بیند از بین ببرد و این چنین، هر فردی مسئول هر گونه منکری است که در میان مردم واقع شود، گرچه خود در آن شریک نباشد.

ملت مسئول امر فقرا و تنگدستان است که به مقدار کفایت به آن‌ها روزی رساند؛ باید زکات‌ها را گرفته به مصرف خود برساند و اگر کفایت نکرد بر اشخاص متمکن لازم کند که به مقدار رفع احتیاج مستمندان بپردازند که اگر یک نفر گرسنه بخوابد تمامی ملت تا به ترغیب یکدیگر بر اطعام نپرداخته‌اند، تبه‌کارند.

در اقتصاد اسلامی در مورد تکافل اجتماعی - که یکی از راه‌های علاج فقر است - تأکید شده است که اگر مردم به ادای حقوق مالی خود بپردازند نیاز همه نیازمندان تأمین می‌شود تا آن جا که دیگر فقیری باقی نمی‌ماند. امام صادق علیه السلام به همین مطلب اشاره فرموده است:

لَوْ أَخْرَجَ النَّاسُ زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا احتَاجَ أَحَدٌ؛ (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۳، ۵۰۷: صدوق، ۱۴۱۳: ۲، ۷، ۱۵۷۹)

اگر مردم زکات اموالشان را بپردازند، هیچ کس نیازمند نخواهد بود.

همچنین، امام علی علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَعْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ، فَمَا جَاعَ فَفَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَتَّعَ بِهِ عَنِّي، وَاللَّهُ تَعَالَى سَأَلَهُمْ عَن ذَلِكَ؛ (شریف رضی، ۱۳۸۳: حکمت ۳۲۸؛ فتال نیشابوری، بی‌تا: ۴۹۷؛ لیبسی

واسطی، ۱۳۸۷: ۱۵۲، ح ۳۳۴۳؛ قندوزی حنفی، ۱۴۱۶: ج ۲، ۲۴۹، ح ۶۹۹)

همانا خداوند سبحان، خوراک فقیران را در دارایی ثروتمندان واجب فرموده است. پس هیچ فقیری گرسنه نمانده، مگر به دلیل آن که ثروتمندی از حق او بهره‌مند شده؛ و خداوند والا ایشان را بدین جهت بازخواست خواهد کرد.

در اجتماع موعود اسلامی، انسان در جست و جوی نیازمندی برمی‌آید که به وی کمک کند، اما او را نمی‌یابد (نک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۲۵). اما ضمن انتظار کشیدن برای رسیدن جامعه به چنان سطحی، یکی از اهداف اقتصاد اسلامی، تأمین نیازهای اساسی نیازمندان و محتاجان است، به گونه‌ای که از طریق آن، هر یک از افراد جامعه به زندگی کرامت‌مندانه‌ای دست یابد. این مهم، نه تنها یکی از اهداف اقتصادی است، بلکه از عناصر اصلی در فرایند توسعه به شمار می‌آید.

۲. استقامت اقتصادی

یکی از مهم‌ترین عوامل رشد اقتصادی از نظر آموزه‌های وحیانی قرآن، استقامت است. استقامتی که در آیات قرآنی بر آن تأکید شده، استقامت برایمان و در راه دین است (فصلت: ۳۰؛ احقاف: ۱۳)؛ به این معنا که در برابر فشارهای داخلی و وسوسه‌های خواسته‌های نفسانی (بقره: ۲۴۹ - ۲۵۱) و فشارهای بیرونی دشمنان (آل عمران: ۱۴۶ - ۱۴۸) صبر و استقامت کنند و اجازه ندهند این فشارها آنان را از مسیر ایمان و سبک زندگی اسلامی و اصول او بیرون برند؛ چرا که دشمنان همواره بر آن اند که انسان را دچار سستی کرده و از مواضع خود بیرون برند و موجبات عقب‌نشینی از اصول ایمانی را فراهم آورند (بقره: ۱۲۰؛ کهف: ۲۰).

برای تبیین بهتر عامل استقامت نگاهی به آموزه‌های قرآنی در این باره می‌اندازیم. استقامت از «قَوْم» به معنای استمرار و پایداری (زمخشری، ۱۹۷۹: ۵۳۸)، راستی، ایستادن، راست شدن، راست ایستادن (دهخدا، ۱۳۷۷) و قرار داشتن در راه راست بدون منحرف شدن است (راغب اصفهانی، بی‌تا: ذیل واژه قوم). در آیات قرآنی برای بیان این مفهوم و اصطلاح، از واژه‌های «ثبت»، «قوم» و مشتقات آن‌ها و نیز از جملات وصفی مثل «بنیان مرصوص» استفاده شده است.

از نظر قرآن، انسان مسلمان لازم است که در مسیر اهداف ارزشمند و متعالی خود استقامت و پایداری ورزد (کهف: ۶۰) و تا رسیدن به مقصد و مقصود از پا ننشیند و هیچ‌گونه عامل بیرونی و درونی، او را از رسیدن به مقصد و مقصود باز ندارد (آل عمران: ۱۴۶).

بنابراین استقامت در اقتصاد مقاومتی همان پای‌بندی به همه عواملی است که خداوند در رشد و شکوفایی اقتصادی مطرح کرده است. دولت و امت باید بر پایه اهداف متعالی اسلام که مبتنی بر قوانین عقلانی و وحیانی است عمل کنند و از هرگونه قانون‌شکنی و بی‌تقوایی پرهیز نمایند و با کمک و تعاون، اهداف والای اسلام را تأمین کرده و این‌گونه خوشبختی و سعادت را در دنیا و آخرت برای خود تضمین نمایند.

به هر حال، اقتصاد اسلامی باید به شکل اقتصاد مقاومتی سامان یابد. مسلماً عنصر استقامت و پایداری ملت بر ایمان و اصول سبک زندگی اسلامی، می‌تواند تضمین‌کننده تحقق اقتصاد مقاومتی باشد که سعادت را قرین خلق می‌کند.

شاید اصطلاح اقتصاد مقاومتی ریشه در این عامل داشته باشد و اگر مستقیم برگرفته از این عامل نباشد، دست‌کم ارتباط تنگاتنگی با آن دارد؛ زیرا هدف از اقتصاد مقاومتی، قرار گرفتن اقتصاد جامعه در حالتی است که بتواند با خوداتکایی و خودکفایی نه تنها نیازهای جامعه را برآورده سازد، بلکه بتواند در برابر فشارهای بیرونی که جامعه را به زانو در می‌آورد، مقاومت کند.

خداوند در آیه ۲۸ سوره توبه خواهان قطع وابستگی اقتصادی به بیگانگان می‌شود و می‌فرماید که اگر چنین اتفاقی بیفتد به سبب استقامت، امت از فضل الهی برخوردار خواهند شد.

نگرانی برخی مسلمانان صدر اسلام از اختلال نظام اقتصادی خود پس از قطع رابطه با مشرکان، از مهم‌ترین علت‌های تأکید خداوند بر استقامت در اقتصاد مقاومتی بوده است که از امدادها و فضل الهی برخوردار باشند. اگر امت به این باور برسد که زندگی مبتنی بر سبک اسلامی، خواسته خداوند و موجب رضایت اوست، استقامت بر چنین سبک زندگی موجب جلب محبت الهی خواهد شد و رضایت الهی نیز موجب افزایش امدادها و فضل خداوندی می‌شود.

۳. اعتدال و صرفه‌جویی اجتماعی-حکومتی

در گفتمان قرآن کریم از اسراف با تعابیر بازدارنده محکمی سخن به میان آمده است. تعبیر برادر شیطان و ناسپاس بودن در آیه ۲۷ اسرا نشان از عزم جدی در اصلاح این امر است:

﴿إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾؛ (اسراء: ۲۷)

چرا که اسراف‌کاران برادران شیطان‌ها و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است.

همچنین خداوند یکی از علت‌های هلاکت فرعون و فرعونیان را اسراف کاری وی می‌داند:

﴿فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِم أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ﴾؛ (یونس: ۸۳)

سرانجام، کسی به موسی ایمان نیاورد مگر فرزندان از قوم وی، درحالی‌که بیم داشتند از آن‌که مبادا فرعون و سران آن‌ها ایشان را آزار رسانند و در حقیقت، فرعون در آن سرزمین برتری جوی و از اسراف‌کاران بود.

در آیات ذیل خداوند حدود و مرز بین استفاده صحیح و اسراف کاری را مشخص نموده و در ضمن تشویق به استفاده صحیح از تولیدات جامعه، پدیده اسراف را به شدت نفی و نهی می‌فرماید:

﴿وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِن ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾؛ (انعام: ۱۴۱)

و اوست کسی که باغ‌هایی با داربست و بدون داربست و خرما بن و کشتزار با میوه‌های گوناگون آن و زیتون و انار، شبیه به یکدیگر و غیر شبیه پدید آورد. از میوه آن - چون ثمر داد - بخورید و حق [بینوایان از] آن را روز بهره‌برداری از آن بدهید، [ولی] زیاده‌روی نکنید که او اسراف‌کاران را دوست ندارد.

﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾؛ (اعراف: ۳۱)

ای فرزندان آدم! جامه خود را در هر نمازی بپوشید و بخورید و بیاشامید [ولی] زیاده‌روی نکنید که او اسراف‌کاران را دوست نمی‌دارد.

همان‌طور که مشخص است خطاب‌های قرآن در آیات مذکور، اولاً عام است و شامل تمام مخاطبین (افراد و جامعه) می‌شود و ثانیاً غالب مخاطب این خطابات فرد نبوده و جمع و جامعه هستند. همچنین با در نظر گرفتن سایر شرایط و القای خصوصیت شاید بتوان فعالیت‌های اقتصادی و راهبردهای حکومتی را نیز در چنین فضایی وارد نمود و تحلیل عدم اسراف و تبذیر را به فعالیت‌های اقتصادی دولت نسبت داد و دولت را به عنوان گرداننده و نماینده اجتماع، مسئول اسراف و تبذیر فعالیت‌های خود و جامعه‌اش دانست؛ چرا که در چنین فرضی مخاطب قرآن کریم قرار گرفته است.

بنابراین دولت اسلامی باید در ضمن توجه به راهبردهای افزایشی و ارتقایی فضای کمی

اقتصاد توجه به فضای کیفی آن نیز داشته باشد و با کاهش مصارف غیرضروری و اسراف و تبذیر در بدنه دولت در جهت کاهش هزینه‌های جاری خود و تخصیص بیشتر به بخش‌های رشد و صنعت و عمران و آبادانی و بسترسازی مناسب برای افزایش سطح اشتغال و تولید جامعه موجبات تعالی کمی و کیفی جامعه اسلامی را برای تعالی و قرب بیش از پیش مهیا سازد.

نتیجه‌گیری

در فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز ظهور، هدف رشد مطلوب، بیداری و تکامل فطرت‌های انسانی و رسیدن انسان به مرحله قرب الهی و عبودیت و بندگی خداوند متعال است. از این رو تحقق این امر از مسیر جامعه انسانی مطلوب بسیار سهل‌تر خواهد بود. به عبارت دیگر، مفهوم این امر از منظر اقتصاد در جامعه منتظر آن است که تحقق زمینه‌های ایجاد و احیای فرهنگ و تمدن بزرگ مهدوی، توجه به فضای فرهنگ اقتصادی جامعه و سرمایه‌های اجتماعی - انسانی داری اثرگذاری مضاعفی نسبت به سرمایه‌های فیزیکی صرف است.

از این رو تعالی و تکامل جامعه مهدویت (سرمایه اجتماعی مطلوب و زمینه‌ساز) نه تنها با توجه به تعالی فردی (سرمایه انسانی مطلوب) همگام است، بلکه بهترین مسیر تعالی افراد در وجود جامعه متعالی امکان‌پذیر خواهد بود. البته تأکید بر بهترین است، نه فقط تنها راه ممکن؛ چرا که شواهد تاریخی فراوانی در صدر اسلام و بعد آن در رابطه با وجود افراد صالح در جامعه ناسالم و تحول‌آفرینی مؤمنان وجود دارد.

راهبرد اهتمام به جامعه و افزایش سرمایه‌های غیر مشهود اقتصادی - اجتماعی - که مورد تحلیل این مقاله است - در کنار دو راهبرد اهتمام به سرمایه‌های انسانی و فیزیکی، سه راهبرد هدایت محور پیشرفت از منظر قرآن کریم به شمار می‌روند.

در این نوشتار، تنها از بین این راهبردهای سه‌گانه، راهبرد اول که اثرگذاری بیشتری در ایجاد جامعه و تمدن زمینه‌ساز دارد، مورد تحلیل قرار گرفت.

اگرچه توجه به اجتماع و راهکارهای افزایش سطح توانمندسازی این راهبرد است، اما بهترین و پایدارترین مسیر رشد به شمار می‌رود؛ اما مهم این است که راهبردهای سه‌گانه، لازم و ملزوم یکدیگرند و اجرای یکی یا توجه بیشتر به دیگری باعث به هم خوردن توازن و عدالت در جامعه شده و کارایی مطلوب را نخواهد داشت.

از این رو با توجه به آنچه بیان شد، کمترین ادعا آن است که اهمیت و تأکید بر سرمایه‌های

کمی و فیزیکی بعد از توجه به انسان و جامعه انسانی مطلوب قرار دارد. این نگاه نیز برخلاف جریان اقتصادی متعارف که نخست به سرمایه فیزیکی اهمیت داده می‌شد و سپس به انسان (سرمایه انسانی) به عنوان محور رشد برای رسیدن به جامعه (سرمایه اجتماعی) به عنوان هدف رشد توجه کرده است.

گفتنی است راهبرد توجه به اجتماع در قالب سرمایه‌های اجتماعی در این مقاله به صورت تفصیلی در دو حالت مستقیم و غیرمستقیم مورد بحث قرار گرفت. توجه به این مهم در قالب راهبردهای مستقیم تشویقی شامل ایجاد و تقویت بخش تعاون اقتصادی در جامعه، ایجاد فرصت‌های متوازن و متعادل در جامعه (عدالت توزیعی)، ایجاد فضای رشد دانش و معرفت عمومی جامعه، تولید کالاهای عمومی و سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و توجه به اشتغال است. از راهبردهای مستقیم تعدیلی و مقاومتی می‌توان به تکافل اجتماعی (تأمین نیازهای اولیه جامعه)، استقامت اقتصادی، اعتدال و صرفه‌جویی اجتماعی - حکومتی اشاره کرد. همچنین از راهبردهای غیرمستقیم اقتصادی در تحقق تمدن زمینه‌ساز نیز راهبردهای مهندسی فرهنگی، راهبردهای حقوقی و راهبردهای سیاسی تحلیل شد.

منابع

- آمدی تمیمی، عبدالواحد (۱۴۰۷ق)، *غررالحکم ودررالحکم*، بیروت، مؤسسة الاعلی للمطبوعات، چاپ اول.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۸۵ش)، *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ یازدهم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- امیدی، مهدی (۱۳۹۰ش)، *نسبت عدالت و پیشرفت با رویکرد به اندیشه اسلامی*، تهران، انتشارات همشهری.
- انوری، حسن (۱۳۸۲ش)، *فرهنگ سخن*، تهران، نشر سخن، چاپ دوم.
- بینش، عبدالحسین (۱۳۸۸ش)، *آشنایی با تاریخ تمدن اسلامی*، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولایت فقیه، زمزم هدایت، چاپ اول.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۸۲ش)، *فرهنگ شناسی*، تهران، قطره، چاپ دوم.
- جان، الیاس (۱۳۸۰ش)، «تربیت عقلانی»، ترجمه: عبدالرضا ضرابی، فصل نامه معرفت، شماره ۴۴، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶ش)، *ترمیمولوژی حقوق*، تهران، گنج دانش، چاپ هشتم.
- جهانیان، ناصر (۱۳۸۸ش)، *اسلام و رشد عدالت محور*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حائری، سید محسن (۱۳۷۸ش)، *اندیشه های اقتصادی در نهج البلاغه*، ترجمه: عبدالعلی آل بویه لنگرودی، تهران، بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق)، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، چاپ اول.
- حسینی، عارف (۱۳۸۱ش)، *رویاروی تمدن اسلامی و مدرنیته*، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، چاپ اول.
- حکیمی، محمد (۱۳۷۴ش)، *الحیة*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۷۶ش)، *معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی

- حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۲ش)، *تاریخ تمدن در اسلام*، تهران، اساطیر.
 - دشتی، محمد (بی تا)، *المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه*، قم، انتشارات امیرالمؤمنین.
 - دورانت، ویلیام جمیز (۱۳۸۲ش)، *مشرق زمین گاهواره تمدن*، ترجمه: احمد آرام، عسکری پاشای و امیرحسین آریان پور، تهران، علمی فرهنگی، چاپ نهم.
 - دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱ش)، *لغت نامه*، تهران، شرکت چاپ افست گلشن.
 - _____ (۱۳۷۷ش)، *لغت نامه*، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم.
 - راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا)، *مفردات الفاظ قرآن*، انتشارات مرتضوی.
 - زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۷۹م)، *اساس البلاغه*، بیروت، دارصادر.
 - شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۸۳ش)، *نهج البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
 - شولتس، تئودور ویلیام (۱۳۷۱ش)، *سرمایه گذاری در نیروی انسانی و توسعه اقتصادی*، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
 - صدر، سید محمد باقر (۱۴۰۸ق)، *اقتصادنا*، قم، مجمع علمی شهید صدر، چاپ دوم.
 - صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
 - طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۲ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.
 - طبرسی، ابوالفضل علی (۱۴۱۸ق)، *مشکاة الانوار فی غرر الاخبار*، تحقیق: مهدی هوشمند، قم، دارالحدیث، چاپ اول.
 - عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین الدین (۱۴۰۳ق)، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم، دار الهادی للمطبوعات.
 - علی بن الحسین علیه السلام (۱۴۱۱ق)، *الصحیفة السجادیة الجامعة*، تحقیق و نشر: مؤسسه الامام المهدی علیه السلام، قم، مطبعة نمونه.
 - عیوضی، محمدرحیم (۱۳۷۸ش)، *رشد مبانی فکری و تحول فرهنگ سیاسی در انقلاب اسلامی*، تهران، انتشارات بین المللی الهدی.
 - فارابی، محمد بن محمد (۱۹۹۶م)، *آراء اهل مدینة الفاضله*، بیروت، دار المشرق، چاپ دوم.
 - _____ (بی تا)، *تحصیل السعادة*، دار مکتبة الهلال، چاپ اول.

- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (بی تا)، *روضه الواعظین*، تحقیق: مجتبی فرجی، قم، دلیل ما.
- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶ق)، *ینایع الموده لذوی القربی*، تهران، دارالاسوه.
- کاشفی، محمدرضا (۱۳۸۹ش)، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ سوم.
- الکتانی، عبدالحی (بی تا)، *التراتب الاداریة*، بی جا، بی نا.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش)، *الکافی*، تحقیق، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم.
- کیاء الحسینی، سید ضیاءالدین (۱۳۹۰ش)، *نسبت عدالت و پیشرفت در مکتب اقتصادی اسلام*، انتشارات همشهری.
- کیان پور، مهرداد (اسفندماه ۱۳۹۱)، *ارزیابی مدل حکمرانی خوب و پیشنهاد مؤلفه های مدل حکمرانی اسلامی* (پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم حدیث گرایش کلام)، استاد راهنما: حجت الاسلام والمسلمین دکتر کاظم قاضی زاده.
- لیسى واسطی، علی بن محمد (۱۳۸۷ش)، *عیون الحکم والمواعظ*، تهران، مؤسسه البعثة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۲ش)، *توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث*، قم، دارالحدیث.
- محمدی، کاظم؛ محمد دشتی (۱۴۱۷ق)، *معجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه*، قم، جامعه مدرسین، چاپ پنجم.
- محمدی، مرتضی، *فرهنگ روز سخن*، تهران، نشر آفتاب مهر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶ش)، *آشنایی با قرآن*، تهران، انتشارات صدرا.
- معین، محمد (۱۳۷۶ش)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۳ش)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نظری، حسن (۱۳۷۴ش)، *مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، (سمت)، چاپ اول.
- نعمتی، علی (۱۳۸۶ش)، *تأثیر گزاره های مبتنی بر فلسفه اخلاق بر تئوری و تحلیل اقتصادی* (پایان نامه دوره کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد)، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- نفیسی، علی اکبر (۱۳۵۵ش)، *فرهنگ نفیسی*، تهران، کتاب فروشی خیام.

- وصالی، سعید؛ رضا امیدی (پاییز ۱۳۹۱ش)؛ «رابطه اخلاق، اقتصاد و رفاه اجتماعی»، فصل نامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۲، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- هادوی تهرانی، مهدی (بی تا)، مکتب و نظام اقتصاد/اسلام، تهران، مؤسسه فرهنگ خانه خرد، چاپ اول.